

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه قم
دانشکده الهیات
پایان نامه دوره کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث

عنوان:

بررسی و تحلیل روایات من مات ولم يعرف امام زمانه مات میتة جاهلیة

استاد راهنما:

دکتر محمدعلی تجری

نگارنده:

امیرحسین گزرورنوسفادرانی

تابستان ۱۳۹۳

تقدیم به:

«يَا أَيُّهَا الْعَزِيزُ مَسَّنَا وَأَهْلَنَّا الضُّرَّ وَجِئْنَا بِبِضَاعِهِ مُزْجَاهٍ فَأَوْفِ لَنَا الْكَيْلَ وَتَصَدَّقْ عَلَيْنَا إِنَّ اللَّهَ

يَجْزِي الْمُتَصَدِّقِينَ»

تقدیم به یگانه منجی عالم بشریت حضرت مهدی (عج)

و

تقدیم به خانم فاطمه معصومه (س)

و

هم‌چنین به پدر و مادر گرامیم که همیشه پشتوانه‌ای محکمی برای اینجانب بوده‌اند و نیز تقدیم به همسر گرامیم که با صبر زیاد و هم‌چنین آرامش در خانه کمک شایانی به اینجانب نموده است.

تقدیر و تشکر:

حمد و سپاس خدای را که توفیق کسب دانش و معرفت را به ما عطا فرمود. در اینجا بر خود لازم می‌دانم که از کلیه اساتید بزرگوار، به ویژه اساتید دوره کارشناسی ارشد که در طول سالیان گذشته مرا در تحصیل و کسب علم یاری نموده‌اند تقدیر و تشکر نمایم.

از استاد گرامی و بزرگوار جناب آقای دکتر محمدعلی تجری که راهنمایی اینجانب را در انجام تحقیق، پژوهش و نگارش این پایان‌نامه تقبل نموده‌اند نهایت تشکر و سپاس‌گزاری را دارم.

و هم‌چنین بر خود لازم می‌دانم که از حجه الاسلام و المسلمین جناب آقای رسول عربیان تشکر کنم، امید است که خداوند بر توفیقات‌شان بیافزاید.

چکیده

نوشتار پیش رو بررسی و تحلیل روایات "من مات و لم يعرف امام زمانه مات میتة جاهلیة" است. که در منابع اولیه و معتبر فریقین به طرق مختلف از پیامبر اکرم (ص) و عترت پاک ایشان نقل شده است. هدف از انجام این تحقیق علاوه بر ارائه مصاد و طرق نقل این روایت و روایات هم مضمون آن، معنا شناسی دقیق متن این احادیث است. در اهمیت مفاد این روایات همین بس که عدم معرفت نسبت به امام هر عصر مساوی با مرگ جاهلی دانسته شده است. در این پایان نامه با روش تحلیلی و توصیفی و با مراجعه به منابع مختلف این روایات مورد بررسی قرار می گیرد. حاصل تحقیق آن است که روایات من مات... دارای اعتبار سندی و برخوردار از طرق مختلف و راویان متعدد است و اطمینان به صدور آن از معصوم علیه السلام حاصل است و اینکه مرگ جاهلی مختص به دوران پیش از اسلام نیست. مستفاد این روایات آن است که هیچ عصری بدون امامی که از جانب خداوند متعال تعیین شده باشد نخواهد بود و نیز این نتیجه بدست آمد که مصداق امام زمان در عصر حاضر حضرت بقیه الله (عجل الله فرجه) می باشند و شناخت ایشان و پیروی از آن حضرت امری ضروری است که سعادت انسان وابسته به آن است.

کلیدواژه‌ها: خلیفه الله - امام زمان - معرفت امام - مرگ جاهلی.

فهرست مطالب

صفحه

عنوان

۱	فصل اول: کلیات
۲	مقدمه
۶	الف) بیان مسأله تحقیق
۸	ب) سؤال‌های تحقیق
۹	ج) فرضیه‌های تحقیق
۹	و) پیشینه‌ی تحقیق
۱۱	هـ) ضرورت و اهمیت تحقیق
۱۲	ز) اهداف تحقیق
۱۲	ح) روش تحقیق
۱۳	فصل دوم: بررسی سندی روایات من مات...
۱۴	بررسی سندی روایات من مات... در منابع اهل سنت
۲۰	اسامی راویان حدیث «من مات ولم یعرف...» و احادیث مشابه
۲۲	بررسی سندی روایات من مات... در منابع شیعی
۳۳	نتیجه‌گیری
۳۴	فصل سوم: بررسی متن روایات من مات
۳۵	بررسی واژه‌های حدیث من مات...
۳۵	مات:
۳۵	یعرف:

۳۵	امام:
۳۵	زمان:
۳۶	میته:
۳۶	جاهلیه:
۳۶	متن حدیث من مات.....
۳۷	شرح‌های علماء بر حدیث من مات.....
۳۷	معناشناسی واژه امام.....
۳۸	مراد از امام زمان
۳۹	نظریه شیعه در تعیین امام زمان
۴۰	برخورد عبدالله بن عمر با روایت من مات.....
۴۲	نتایج نشناختن امام.....
۴۴	پاسخ امامیه در جواب شبهات مخالفین در باره معنای روایت من مات.....
۴۵	سخن امام امیرمؤمنان علیه‌السلام پیرامون نقش امام زمان و شناخت ایشان.....
۴۶	رابطه روایات من مات... با حدیث ثقلین.....
۴۷	راه‌نما شناسی.....
۴۸	عواقب مردن بدون شناخت امام.....
۵۱	چگونگی شناخت امام زمان بر حق هر زمان
۵۳	روایت من مات... به الفاظ مختلف.....
۵۵	جاهلیت و مرگ جاهلی چیست؟.....
۶۲	فصل چهارم: روایات من مات... و امام زمان عصر حاضر
۶۲

نیاز به امام زمان در هر عصر و زمانی	۶۳
ضرورت و گستره‌ی نیاز به امام زمان عجل الله تعالی فرجه	۶۷
۱- ولایت و سرپرستی موجودات	۶۸
۲- طریق عبادت و ابلاغ و اجرای احکام	۷۰
۳- شناخت خدا	۷۲
شرایط امام زمان	۷۵
۱- عصمت	۷۶
۲- علم	۷۷
۳- فضائل و کمالات	۷۹
مصادیق امام زمان در عصر حاضر	۸۰
۱. عصمت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه	۸۲
۲. حضرت بقیة الله عالم ترین مردم عصر امامشان	۸۷
۳. فضائل و کمالات حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه	۹۰
شناخت امام زمان عجل الله تعالی فرجه در عصر غیبت	۹۲
نتیجه	۱۰۲
فهرست منابع و مآخذ	۱۰۳
الف) کتب فارسی	۱۰۳
ب) کتب عربی	۱۰۴

فصل اول: کلیات

مقدمه

حمد و سپاس مخصوص خدایی است که عالم را خلق کرد و انسان را شرافت بخشید به تعقل و اختیار خدایی که انسان را چراغی درونی و چراغی بیرونی عطا کرد که چراغ بیرونی حجت الهی و خلیفه الله است که راه را برای چراغ درونی یعنی عقل روشن می گرداند و درود و سلام بر انبیاء و اولیای الهی که حق عظیمی بر گردن بشریت دارند به ویژه پیامبر خاتم و عترت طاهرینش که هدف خلقتند و عوالم به یمن وجود ایشان برقراراند.

و سلام بر آخرین ذخیره الهی همان که برگی از درخت نمی فتد مگر به اجازه ی حضرتش و به راستی که وعده الهی حق است که عهد خدا به ظالمین نمیرسد.

اگر اندکی در قرآن کریم تدبر کنیم در می یابیم که خداوند متعال این همه عوالم را بیهوده خلق نکرده است و ذره ذره موجودات رو به سوی دارند و هدفی را دنبال می کنند و هر یک کمال خویش را می طلبد که در نهایت به کمال مطلق رهسپار می شوند.

وقتی به جهان پیرامون خود نظاره می کنیم می بینیم که همه چیز دست به دست هم داده است تا انسان رشد و کمال خود را بیابد و کمال همه موجودات در گرو کمال انسانی است. اکنون این سؤال است که با این همه شرافت و مقام که وجود انسان در عالم دارد آیا مسئولیتی نیز بر عهده ی این اشرف مخلوقات هست یا نه؟ مسلماً هر عاقلی می داند که این همه الطاف عبث و بیهوده نیست و انسان در برابر آن مسئول است و همه ی این نعمت ها توشه ی راهی است که انسان در پیش دارد و آخر این راه مسلماً به غایتی ختم می شود.

آری انسان شایستگی آن را دارد که به مقامی برسد که حتی فرشتگان الهی در حسرت آیند و آن همان است که امام معصوم می فرماید: العبودیه جوهره کنه‌ها الربوبیه. همان که خداوند می فرماید یعنی عبودیت هدف خلقت است و هرچه انسان در این عبودیت غور کند به معبود خود نزدیک تر می گردد و اوج عبودیت در وجود مبارک پیامبر خاتم و اهل بیتش تجلی می یابد پس می توان نتیجه گرفت که این ذوات مقدسه محور عالم وجودند و ایشان اند که توانسته اند مقام خلیفه‌ی الهی را به منصه‌ی ظهور برسانند.

پس حلقه‌ی اتصال بندگان خاکی با عرش متعالی و واسطه‌ی فیض الهی این چهارده نور مقدس اند که قبل از خلقت عالم به دور عرش الهی در گردش بوده اند و اینجاست که این عبارت حدیث شریف کساء بیشتر جلوه می کند که خداوند می فرماید اگر این ذوات مقدسه نبودند خورشید و ماه و فلک و زمین و آسمان و ستارگان و دریاها و همه و همه خلق نمی شدند و نبودند پس با اعتقاد کامل باید بیان داشت که هستی همه‌ی عالم وجود مرهون وجود این ذوات مقدسه است چرا که اگر ایشان نبودند اصلاً هدف خلقت ظهور و بروز پیدا نمی کرد و عالم عبث می گردید.

چه کسی شجاعت این را دارد که به صدق بگوید آن گونه که رسول الله و علی و فاطمه و خاندان عصمتشان خداوند را عبادت کردند من هم عبادت کردم...؟! !

آری روح عبودیت در این ذوات مقدسه اوج می گیرد و بس و زمین و زمان برتر از این بزرگواران به خود ندیده اند به نحوی که اگر همه‌ی دریاها‌ی عالم مرکب شوند و همه‌ی درختان عالم قلم و همه‌ی گیتی صفحه‌ی کاغذ که بخواهند فضایل و عظمت مقام این خاندان را به منصه ظهور کشند قادر نخواهند بود...

حال جای این سؤال است که وظیفه‌ی انسان چیست؟ با اندکی تأمل درون خود در می‌یابیم که اولاً بیهوده آفریده نشده‌ایم و راه و مقصدی در پیش داریم ثانیاً هدف از خلقت ما رسیدن یا لااقل نزدیک شدن به مقام عبودیت محض است ثالثاً در این مسیر نیاز به راهنما و چراغ راه داریم و رابعاً چه راهنمایی بهتر از افرادی که خود به مقصد رسیده‌اند.

انسان در طول تاریخ را به چهار گروه می‌توان تقسیم کرد: اول افرادی که نگاهشان به عالم این گونه است که خلقت را بیهوده می‌پندارند دوم گروهی که در تشخیص هدف خلقت سردرگم مانده‌اند و سوم گروهی که در تشخیص راهنما به کج راهه رفته‌اند و گروه آخر گروهی که دست خود را در دست واسطه‌های فیض الهی گذاشته‌اند و به میزان سعی و جودی خود پیش می‌روند و اینانند همان رستگاران.

خداوند متعال حکیم است و به بندگان خود بسیار رئوف است پس نمی‌توان تصور کرد که او بشریت را بدون چراغ و راهنما رها کرده باشد.

و نیز بر اساس ادله‌ی قطعی نقلی و عقلی تاکنون انسان‌ها بدون خلیفه‌ی الهی نبوده‌اند و در همه عصر و زمانی حجت‌های خداوند واسطه‌ی فیض الهی بوده‌اند و زمینه را مهیا کرده‌اند برای ظهور آخرین پیامبر الهی و پس از ایشان اوصیاء ظاهرینش که یکی پس از دیگری چونان آفتاب عالم را از نور هدایت بهره‌مند کرده‌اند تا این که پرچم هدایت را به دست آخرین خلیفه‌ی الهی رساندند و ایشان تا برجیده شدن بساط زمین عهده‌دار این وظیفه‌ی خطیر الهی هستند.

پس بر هیچ انسان عاقلی پوشیده نیست که مهم‌ترین رکن نظام خلقت پس از توحید وجود شریف خلیفه الله است و بر هر طالب کمالی لازم است که این وجود شریف را بشناسد و از نور هدایتش بهره‌مند گردد.

قرآن کریم و روایات اهل بیت و عقل ما را به معرفت و شناخت حجت‌های الهی به عنوان اصلی بنیادین در کنار اصول دیگر مانند توحید تشویق و رهنمون کرده است.

از سویی شناخت خلفاء و حجت‌های راستین الهی بیشترین تأثیر را در رفتار و اخلاق و افکار و اعتقادات ما دارد چون در حقیقت ایشان رشته‌ی اتصال میان ما و خدای یکتا و سفیران اویند.

بسیار متفاوت است احوال مردمی که از پیامبری هم چون حضرت خاتم پیروی کنند با آنان که دنباله رو پیشوایان ظالم و گمراهی چون شیطان و فرعون باشند.

گروه اول برگزیدگان حضرت حق‌اند که مردم را به عدالت و فضائل انسانی دعوت می‌کنند ولی گروه دوم مردم را به سوی خود و شرک و رذائل فرا می‌خوانند و سرانجام آن به بندگی و بردگی کشیدن انسان می‌انجامد.

قرآن کریم آدمیان را از خطر پیروی از شیطان و فرعون هشدار می‌دهد که - آیا با شما عهد نکردم ای فرزندان آدم که شیطان را نپرستید که او برای شما دشمنی آشکار است!.

فرعون بنی اسرائیل را به بندگی و بردگی گرفت و پس از آن مدعی ربوبیت شد اما انبیاء از این خود خواهی‌ها و زشتی‌ها پاک و منزه‌اند و تنها پیام خدا را می‌رسانند و بس و خود نخستین و برترین بندگانشند و در برابر ذات اقدس الهی متواضع و فروتن هستند و به فضائل آراسته‌اند ایشان حتی برای تبلیغ و رسالتشان مزدی طلب نمی‌کنند و این نشان‌دهنده‌ی صداقت و راستی آنهاست.

نوشته‌ی پیش رو در راستای شناخت مفهوم این روایت - من مات ولم یعرف امام زمانه مات میتة جاهلیة - به رشته تحریر در آمد و مقصود نهایی آن توجه دادن افکار و دلها به خلافت و ولایت حضرت مهدی به عنوان آخرین خورشید فروزان از خلفای راستین حضرت پروردگار متعال است.

ایشان ولی و امام زنده این زمان هستند. شناخت و پیروی از او اطاعت از خداوند متعال است و جهل و غفلت از مقام بلندش انسان را در ویرانه‌های مشرکان و اهل ضلالت مدفون می‌سازد. امام صادق فرمودند: هر کس شبی را به صبح برساند در حالی که امام زمانش را نمی‌شناسد به مرگ جاهلیت مرده است.^۱

الف) بیان مسأله تحقیق

یکی از روایاتی که در منابع شیعه و اهل سنت مطرح است روایت من مات و لم يعرف امام زمانه مات میتة جاهلیه و روایات هم مضمون آن است. این روایات از ابعاد مختلف قابل بحث و بررسی است از جمله: از جهت سند و متن، در این تحقیق تلاش می‌شود که ابتدا اسناد روایات من مات... و نیز احادیث هم مضمون آن مورد بررسی قرار گیرد و به این مسأله پاسخ داده شود که آیا این روایات دارای اعتبار سندی می‌باشد یا خیر؟

برای این منظور ابتدا این روایات در کتاب‌های دسته اول اهل سنت مورد بررسی قرار می‌گیرد و سپس اسنادی از آن در کتب اصیل شیعه مطرح می‌گردد تا در باره اعتبار این روایات بتوان نتیجه‌گیری کرد.

سپس به بررسی متن این روایات پرداخته می‌شود بدین صورت که ابتدا واژه‌های کلیدی این روایات یعنی امام، - زمان - معرفت - مرگ و جاهلیت مورد بررسی قرار می‌گیرد.

پس از آن برای نمونه متن حدیث مطرح می‌گردد و سپس به شرح و تفسیر این روایات با استفاده از قرآن و احادیث و شروح عالمان پرداخته می‌شود و نیز نقل‌های گوناگون این روایات مطرح می‌گردد.

^۱. بحار الانوار ج ۲۳ ص ۷۸ ح ۸

پس از طرح مسائل فوق نکات مستفاد از روایات من مات... با عنایت به آیات و روایات مطرح می‌شود و مورد بررسی قرار می‌گیرد از جمله اهمیت امام شناسی - مقام امامت و شرایط آن براساس آیات و روایات - مقصود از مرگ جاهلی - نقش امام زمان در هر عصر - چگونگی تعیین امام - چگونگی شناخت امام و معنای معرفت نداشتن به امام - مسأله‌ی نیاز به آخرین حجت الهی براساس روایات من مات... و نکاتی دیگر هم چنین سعی می‌شود که با توجه به آیات و روایات نکات مستفاد از این روایات مورد بررسی و تحلیل قرار گیرد و لوازم این دسته از روایات مطرح گردد.

در پایان نیز مباحثی پیرامون مصداق حقیقی عنوان امام زمان در عصر حاضر مطرح می‌گردد تا بر طالبان حقیقت روشن گردد که چه کسانی شایستگی این مقام بزرگ را دارند؟ بدین صورت که ابتدا ضرورت و گستره‌ی نیاز به امام زمان مورد بحث واقع می‌شود و در سه عرصه‌ی ولایت و سرپرستی موجودات - طریق عبادت و ابلاغ و اجرای احکام - شناخت خداوند متعال این نیاز به امام زمان مطرح می‌گردد.

و نیز در ادامه به بررسی و تحلیل موضوع نیاز به امام زمان در هر عصر و زمانی پرداخته می‌شود. سپس به موضوع شرایط امام زمان پرداخته می‌شود و سه شرط اصلی یعنی شرط عصمت و شرط علم و شرط فضایل و کمالات انسانی مطرح می‌گردد.

پس آن که شرایط امام زمان مطرح شد با توجه به این شرایط موضوع مصداق امام زمان در عصر حاضر مورد تحلیل و بررسی قرار می‌گیرد و بیان می‌گردد که در عصر حاضر حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف شایسته‌ترین شخص برای مقام امامت و ولایت هستند چراکه شرایط امامت را به نحو اتم و اکمل دارا هستند.

آخرین مطلب این تحقیق نیز اختصاص دارد به موضوع شناخت امام زمان در عصر غیبت و در این بخش تلاش می‌شود به بشریت گوشزد شود که بداند در این عالم بدون صاحب و راهنما رها نشده است. گرچه ما از درک حضورش غافل هستیم اما ایشان حتی یک لحظه از احوال ما غافل نیستند چراکه اگر ایشان لحظه‌ای و کمتر از لحظه‌ای نگاه عنایتشان را از عالم وجود بگیرند دیگر عالمی نخواهد بود.....

(ب) سؤالات تحقیق

(سؤال اصلی):

۱- روایات من مات... و روایات هم مضمون آن از نظر سندی و اعتبار صدوری چگونه و به لحاظ متن و محتوا دارای چه معنا و تفسیر و پیامی است؟

(سؤالات فرعی):

۲- آیا می‌توان وصف تواتر را به این روایات نسبت داد و آیا این روایات در منابع اهل سنت هم سندی دارد؟

۳- آیا روایات من مات... با نقل‌های گوناگون به ما رسیده است؟

۴- مقصود از مرگ جاهلی و مقصود از معرفت امام زمان چیست؟

۵- مصادیق امام زمان چه افرادی هستند و با توجه به آیات و روایات، امام و حجت خدا دارای

چه ویژگی‌هایی باید باشد؟

ج) فرضیه‌های تحقیق

- ۱- به نظر می‌رسد صدور این روایات از پیامبر از نظر فریقین مورد قبول است و از نظر محتوا این روایات مشتمل بر اموری بس مهم و سرنوشت ساز است. از جمله وجود حجت خدا در همه‌ی اعصار و لزوم شناخت او.
- ۲- احتمالاً پیامبر اکرم مضمون یاد شده را به صورت مکرر بیان فرموده و این روایات نقل‌های مختلف از بیانات مکرر و متعدد ایشان است.
- ۳- به نظر می‌رسد مقصود از معرفت امام زمان شناخت و باور به حجت پروردگار است نه شناخت هر زمامدار و رهبری، و مراد از مرگ جاهلی مرگ قبل از اسلام است مرگ کفر و نفاق.
- ۴- به نظر می‌رسد که بین این روایات و روایات ثقلین و عدم خلو ارض من الحججه رابطه‌ی معنایی تنگاتنگ و مکملی وجود دارد.
- ۵- با توجه به روایات این باب تنها مقام عصمت شایستگی امامت و رهبری مردم را دارد.

و) پیشنهادی تحقیق

- اهمیت این روایات به حدی است که کمتر کتابی است که بحثی از امام شناسی داشته باشد و اشاره‌ای به این روایات نداشته باشد لذا ما به چند مورد اشاره می‌کنیم:
- کتاب منتخب الاثر از آیه‌الله صافی گلپایگانی که در جلد دوم آن به موضوع شناخت امام پرداخته است.
- کتاب تنها راه رهایی از علی‌اکبر مهدی‌پور نیز این موضوع را مطرح کرده است.

علامه طهرانی کتابی مفصل درباره‌ی امام شناسی تألیف کرده‌اند و در قسمت دوم جلد سوم آن جداگانه به بحث مرگ جاهلی و وجوب امام شناسی پرداخته‌اند.

کتاب راه‌رهایی از مرگ جاهلی نوشته مهدی فقیه ایمانی که اختصاصاً حول محور این روایات نوشته شده است که بیشتر کتاب اختصاص دارد به سیر تاریخی امت اسلامی و دور افتادن از مسیر اصلی ولایت و امامت، البته در این کتاب به بررسی سندی این روایات نیز پرداخته شده است که نیازمند تحقیق و بررسی بیشتری است چراکه مؤلف محترم فقط در مورد مصادر اهل سنت بحث کرده است حال آن که این روایت و روایات مشابه آن در کتاب‌های اصیل شیعی نیز بسیار ذکر شده است.

در ضمن بحث‌هایی جسته و گریخته در لابه لای کتبی که به مناسبتی این روایت را مطرح کرده‌اند مشاهده می‌شود که نیازمند شرح و بسط بیشتر و مفصل‌تری است.

البته مقالاتی نیز پیرامون موضوع لزوم شناخت امام و ارتباط آن با رهایی از مرگ جاهلی نوشته شده است از جمله: مقاله‌ای از علی اکبر دهقانی که بیشتر به موضوع جاهلیت نخستین و جاهلیت مدرن پرداخته است و نیز مقاله‌ای از اسماعیل شفیعی سروسرستانی که شاخصه‌های دوران جاهلیت را مطرح کرده است.

در ماهنامه‌ها و مجلات مختلف نیز این موضوع مطرح شده است از جمله: مجله‌ی انتظار شماره‌ی ۳۸ که اسناد این روایات را تا حدودی مورد بررسی قرار داده است و نیز ماهنامه‌ی موعود که بحث شناخت امام را مطرح کرده و ارتباط آن را با شناخت پیامبر و شناخت خداوند مورد بررسی قرار داده است.

هـ) ضرورت و اهمیت تحقیق

از آنجایی که خداوند حکیم دفتر وجود انسان را با نام خلیفه الله نوشت و با همین عنوان مقدس گشود، و پیش از آفرینش انسان ابتدا خبر از خلیفه و جانشینی بر روی زمین داد و فرمود: *إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً* حال آن که در دایره دین و معرفت شناسی مسائل با اهمیت دیگری نیز وجود دارد، اما خداوند نخست این موضوع را برای فرشتگانش مطرح کرد، معلوم می‌شود این خلافت در بقاء جهان آفرینش و سرنوشت انسان و دیگر مخلوقات بسیار موثر است، چون سراپرده هستی به وجود پربرکت او سراپاست و به تدبیرش اداره می‌شود و شناخت خلیفه الله نه تنها زیر بنای خداشناسی و تمام احکام الهی است بلکه هدف از خلقت انسان، که معرفت خدا، عبادت و بندگی است بدون هدایت او تحقق نمی‌یابد و تأمین نمی‌شود و بندگان از اسرار توحید و خداشناسی محروم خواهند ماند و هیچ کمالی بدست نمی‌آید و در واقع رشته ارتباط معنوی میان خالق و مخلوق از هم گسسته می‌شود و شیرازه خلقت از هم می‌پاشد.

البته این نیاز تنها از سوی انسانهایی است که نمی‌توانند با منبع فیض و علم الهی به طور مستقیم مرتبط شوند. از این رودر روایات و وادعیه از امام تعبیر به *سبيلُ الله، السَّبَبُ الْمُتَّصِلُ بَيْنَ الْأَرْضِ وَالسَّمَاءِ* مانند آن تعبیر شده است امام صادق صلوات الله علیه فرمود در روی زمین پیوسته حجتی از سوی خدا باشدوی حلال و حرام را به مردم شناسانده و آن‌ها را به راه خدا فراخواند. روشن است که این خلافت الهی گاه در لباس نبوت و گاهی در لباس امامت بروز و ظهور پیدا می‌کند و هیچ کس در هیچ عصری از وجود امام زمان یا خلیفه الله بی‌نیاز نیست.

البته می‌دانیم که لازمه بهره‌مند شدن از واسطه‌های فیض خداوند در درجه‌ی اول شناخت ایشان و سپس پیروی از آن ذوات مقدسه است.

واز آنجایی که روایات من مات... به موضوع مهم شناخت حجت‌های الهی اشاره دارند و درک معنا و مفهوم این روایات تأثیر به‌سزایی در نحوه‌ی زندگی و مرگ انسان دارد و نیز توجه به آن نگاه انسان را به جهان عوض می‌کند، لذا معناشناسی این روایات بسیار ضروری می‌باشد.

(ز) اهداف تحقیق

از آنجایی که مهم‌ترین دغدغه‌ی انسان‌هایی که طالب حقیقت هستند و خلقت را بیهوده نمی‌پندارند این است که راه رسیدن به سعادت را پیدا کنند و حیران و سردرگم نمانند لذا این حقیر تصمیم گرفتم که در حد توانم این روایات که درک و عدم درک آن‌ها سعادت و شقاوت انسان‌ها را رقم می‌زند را مورد مذاقه و بررسی قرار دهم و در این تحقیق اموری را دورنمای کار خویش قرار دادم از جمله:

تعیین صحت یا عدم صحت این روایات، تبیین معنا و مفهوم روایات من مات...، پاسخ به سؤالات پیرامون این روایات در خلال بحث، توجه دادن انسان‌ها به لزوم معرفت و اطاعت از امامی که عدم معرفت به او مستلزم مرگ جاهلی است.

(ح) روش تحقیق

روش تحقیق در این پایان‌نامه به اقتضای موضوع تحلیلی و توصیفی است در این تحقیق سعی بر این است که ابتدا با استفاده از منابع متقن مطالبی پیرامون روایات من مات... هم از لحاظ سندی و هم از نظر متن و محتوای آن گردآوری گردد سپس با دسته‌بندی این مطالب سعی شده است که نتایجی مثمرتر استخراج گردد تا خواننده بتواند با کنار هم قرار دادن این مطالب درک صحیحی از روایات من مات... داشته باشد.